

[اختصاص و عدم اختصاص خطاب به مشفاهین 1](#_Toc99288758)

[کیفیت بحث مرحوم آخوند 2](#_Toc99288759)

[مقام اول: بررسی اصل نزاع 2](#_Toc99288760)

[تقاریب سه گانه از محل نزاع 2](#_Toc99288761)

[بررسی تقریب اول از نزاع 2](#_Toc99288762)

[مختار مرحوم آخوند نسبت به تقریب اول از نزاع 3](#_Toc99288763)

[بررسی تقریب دوم از نزاع 3](#_Toc99288764)

[مختار مرحوم آخوند 3](#_Toc99288765)

[بیان اول برای رد مرحوم آخوند 4](#_Toc99288766)

[جواب مرحوم آخوند 4](#_Toc99288767)

[بیان دوم برای رد مرحوم آخوند 4](#_Toc99288768)

[اشکال به رد دوم 4](#_Toc99288769)

[بیان سوم برای رد مرحوم آخوند 4](#_Toc99288770)

[بررسی تقریب سوم از نزاع 5](#_Toc99288771)

**موضوع**: بررسی کلمات /بررسی اختصاص خطاب به مشافهین /عام وخاص

# اختصاص و عدم اختصاص خطاب به مشفاهین

بحث در مورد خطابات شفاهیه است. خطاباتی که مشتمل بر ادات تخاطب است. مثل یاء ندا. البته دقت کنید این بحث مختص به خطاباتی نیست که منحصرا ادات خطاب را داشته باشند بلکه خطابی که مشتمل بر توجه دادن است را هم شامل می­شود مثلا آیه لله علی الناس حج البیت من استطاع الیه سبیلا را داخل در بحث هست.

آیا این موارد مختص به حاضرین در حال مخاطبه هستند یا شامل غیر حاضرین هم می­شوند(غائبین و معدومین) این بحث در کلمات سابقین هم مطرح بوده است.(عامه و خاصه) مشهور و شاید اتفاق خاصه بر این بوده که این گونه خطابات شامل غیر حاضرین نمی­شود.

## کیفیت بحث مرحوم آخوند

مرحوم آخوند در دو مقام بحث کرده است. مقام اول اصل شمول و مقام دوم که در فصل جداگانه ای آورده است ثمره بحث است.

### مقام اول: بررسی اصل نزاع

#### تقاریب سه گانه از محل نزاع

مرحوم آخوند در مقدمه کلامش فرموده است: این نزاع را سه گونه می­توان طرح کرد:

1. بحث می­کنیم که مودای این خطابات مشافهه، مختص به حاضرین است یا این که شامل معدومین هم می­شود. از این جهت که تکلیف به معدومین محال است. این بحث عقلی است.
2. ما بحث می­کنیم که مخاطبه با غیر حاضرین ممکن است یا نه. قبلی در مورد تکلیف بود و در این نزاع بحث تخاطب با معدوم است. این بحث هم عقلی است.
3. اساسا بحث غیر عقلی است.(لغوی یا عرفی) است. یعنی بحث می­کنیم که ادات خطاب یک مدخولی دارند. آیا چون ادات خطاب اقتضای حضور را دارند، مدخول آنها حاضرین هستند یا این که مدخول همه هستند و ادات خطاب در معنای خودش استعمال نشده است. یک بحث استظهاری و عرفی است.

دیگران هم به صورت اگری بحث کرده اند که مقصود چیست هر چند که به این نظم مرحوم آخوند نیست.

##### بررسی تقریب اول از نزاع

به ذهن می­آید که نزاع به نحو اول بعید است چرا که تکلیف به معدوم ممکن است یا نه، این خاصیت تکلیف است و ربطی به خطاب ندارد. اگر به صورت شفاهی هم نباشد و به صورت غیبت هم باشد مثلا یک قاعده کلی باشد باز هم بحث می­شود که شامل معدومین هم می­شود یا نه؟ تجب الصلاة علی کل مکلف. آیا شامل معدومین هم می­شود.

نحوه اول مضمون را مد نظر قرار داده است و از مخاطبه قطع نظر کرده است. هر تکلیفی جا دارد که بحث شود آیا باید مکلف موجود باشد یا نه؟ این نحو اولی که مرحوم آخوند فرموده است خلاف ظاهر عنوان نزاع است. عنوان نزاع، خطابات مشافهه است. باید مشافهه بودن دخالت در بحث داشته باشد در حالی که نزاع اول مشافهه بودن را ملغی می­کند و اصل تکلیف را بحث می­کند.

##### مختار مرحوم آخوند نسبت به تقریب اول از نزاع

مرحوم آخوند در نزاع اول ادامه داده و گفته است که تکلیف فعلی به معدوم معنا ندارد. تکلیف فعلی یعنی تکلیفی که زاجریت فعلی دارد که نسبت به معدوم محال است. اما تکلیف انشائی اشکالی ندارد. در حقیقت در نزاع اول مرحوم آخوند تفصیل داده است. در عرف هم تکلیف انشائی اقع شده است مثل وقف بر بطون که واقف نسلا بعد نسل وقف می­کند و اصلا ممکن است فعلا ولدی نداشته باشد. اشکالی ندارد که جاعل قانونی را جعل کند و اگر موجود هستند نسبت به موجودین فعلی و نسبت به معدومین انشائی و اگر همه معدومین هستند انشائی است.

ان قلت: وقتی که مکلفین موجود شدند، قانون گذار انشا کند.

قلت: انشا خفیف المونه است و ممکن است مصلحت اقتضا کند که الان قانون جعل کند. انشا، یک اعتبار است و مبرر می­خواهد. ممکن است واقف بعدا موفق به انشا وقف نباشد و الان انشا می­کند.

خلاصه: نزاع اول حکمش روشن است و بحثی در نزاع اول نداریم. بهتر این بود که مرحوم آخوند نحوه ثانی و ثالث را مثل مرحوم نائینی مطرح می­کرد. مهم هم نحوه دوم است.

##### بررسی تقریب دوم از نزاع

آیا خطاب کردن به معدوم ممکن است یا محال؟

###### مختار مرحوم آخوند

مرحوم آخوند فرموده است: مخاطبه علاوه بر این که بر معدوم محال است، به غائب هم محال است همچنین به حاضر غیر ملتفت هم محال است. در این موارد خطاب کردن لغو است. خطابات شفاهیه از این جهت که مشتمل بر بر مخاطبه هستند شامل غائبین به معنای وسیعش نمی­شود و استحاله دارد. حقیقت خطاب کردن این است: یک چیزی را به شخص اسماع می­کند. بالفعل چیزی در ذهن شخص القا می­کند.

مرحوم آخوند می­فرماید: خطابات در ادله شرعیه، محال است که شامل غائبین بشود و مختص به کسانی است که طرف مواجه هستند و ملتفت هم هستند.

بیان اول برای رد مرحوم آخوند

بعد مرحوم آخوند اشاره به یک وجهی می­کند. خطاب حقیقی نسبت به انسان ها همین گونه است اما برای خداوند که غائب و حاضر ندارد و همه مکلفین را در طول تاریخ می­ییند و می­فرماید یا ایها الذین آمنوا.

جواب مرحوم آخوند

مرحوم آخوند می­گوید: ما نمی­گوییم خداوند چنین قدرتی ندارد ولی کسانی که معدوم هستند قابلیت اسماع را ندارند. قصور در قابل است نه در فاعل. همان داستانی که خداوند می­تواند جهان را از سوراخ سوزن خارج کند به گونه ای که سوارخ سوزن بزرگ و جهان کوچک نشود؟ بحث نتوانستن نیست بلکه بحث نشدن است. در محل هم این گونه است. این مطلب را مرحوم آخوند درست می­فرماید. همان طوری که نسبت به انسان ها، معدومین قابلیت اسماع را ندارند و در خودمان احساس عجز نمی­کنیم همچنین نسبت به خداوند هم این گونه است.

بیان دوم برای رد مرحوم آخوند

بعضی گفته اند خطاب حقیقی به معدومین امکان دارد و حرف آخوند درست نیست. از جمله مرحوم نائینی بین قضیه خارجیه و حقیقیه تفصیل داده است. در خارجیه به کسانی که حاضر و موجود هستند خطاب شده است و منحصر به کسانی است که التفات دارند. اما در قضایای حقیقیه حرف آخوند درست نیست. در قضایای خارجیه فرض وجود نشده است ولی در قضایای حقیقیه فرض وجود شده است. لله علی الناس حج البیت من استطاع الیه سبیلا، یعنی اذا وجود مستطیع فعلیه الحج. در این قضایا معدوم را به منزله موجود تنزیل می­کند و در نتیجه خطاب به معدوم هم صحیح می­شود.

اشکال به رد دوم

این فرمایش به ظاهرش قابل قبول نیست. این که تنزیل کرده باشد، صحیح نیست. در قضایای حقیقیه گفته است اگر وجود پیدا کرد، نه این که موجود هستند. کسی که هزار سال بعد به وجود می­آید تنزیل نکرده است.

بیان سوم برای رد مرحوم آخوند

کلام مرحوم نائینی را می­توان این گونه توجیه کرد و یک بیان دیگری است برای رد مرحوم آخوند. خطابات، خطابات واقعیه هستند اما این که مرحوم آخوند فرمود در خطاب حضور شرط است، صحیح نیست. ما ممکن است غایب را هم خطاب کنیم. در عین حال که مخاطبه حقیقی است ولی خطاب غائب هم ممکن است. مثلا کسی فرزندش خواب است و برای او می­نویسد که وقتی بیدار شدی برو نان بخر. وقتی که شخص بیدار می­شود احساس می­کند که پدرش او را خطاب کرده است. ما وقتی آیه یا ایها الذین آمنوا را می­خوانیم احساس می­کنیم که ما هم مورد خطاب قرار گرفته ایم. مخاطبه حقیقی، حضور بالفعل را نمی­طلبد.

هر چند که پیامبر در وقتی که می­فرمود یا ایها الذین آمنوا، مخاطبینش همین حاضرین بود ولی نگفت تو نماز بخوان. قضیه خارجیه نبود بلکه قانون را بر آنها تطبیق کرد و قانون برای هر کسی است که به او برسد.

ذهن مرحوم نائینی درست عمل کرده است و فرق گذاشته است بین قضیه خارجیه و حقیقیه. این قانون به هر کسی برسد و خودش را مصداق موضوع می­بیند احساس می­کند که مخاطب است. قوام خطاب این است که شخص خودش را مصداق او ببیند و ان خطاب من را صلاحیت دعوت داشته باشد. قوام خطاب حقیقی به این است که ببیند این خطاب او را دعوت می­کند و موضوعش منطبق بر او است.

پس مخاطبه با معدوم مشکلی ندارد. بحث در مورد نزاع ثانی هم تمام شد.

##### بررسی تقریب سوم از نزاع

مرحوم آخوند این نزاع را مترتب بر نزاع دوم کرده است و فرموده وقتی که نزاع دوم محال است نزاع سوم هم مترتب بر آن می­­شود. ادامه بحث در جلسه آینده.